



راهبردهای عامل و مانع تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا (رویکرد تطبیقی)

تاریخ دریافت: ۹۵/۳/۱۶

سید حسین حسینی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۵/۷/۲۰

حمیدرضا دانش ناری^۲

چکیده

کثرت‌گرایی فرهنگی به عنوان یکی از مباحث مطرح در علم جامعه‌شناسی بر این باور است که عقاید و باورهای کلیه گروه‌های اجتماعی با رویکردهای فرهنگی مختلف باید توسط فرهنگ غالب به رسمیت شناخته شود. تبلور مفهوم کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام قضایی هنگامی مطرح می‌شود که از یک سو، عملی جرم‌انگاری شده‌باشد و از سوی دیگر، انجام این رفتار در برخی گروه‌های فرهنگی مجاز تلقی شود. اثربخشی کثرت‌گرایی فرهنگی بر گفتمان قضایی موجب شکل‌گیری این ایده شده‌است که تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری در جوامع چند فرهنگی باید متناسب با شرایط حاکم بر آن اجتماع باشد. بر این اساس، همچنان که گروه‌های مختلف فرهنگی در اجتماع زیست می‌نمایند، تفسیرهای قضایی نیز باید کثرت‌گرا باشند؛ بدین معنا که قضات باید هر رفتار جنایی را در بست‌های فرهنگی خاص خود، مورد بررسی قرار دهند. در این تحقیق که به دنبال موارد بسط و تحدید تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا هستیم، بدین نتیجه رسیده‌ایم که مهم‌ترین راهبردهای پیش‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، نظام بومی‌گزینی قضات و پذیرش دفاع فرهنگی است. در نقطه مقابل، اعمال رویکردهای ارزشی در رسیدگی‌های کیفری و عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را با چالش مواجه می‌کند.

واژگان کلیدی: کثرت‌گرایی فرهنگی، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، دفاع فرهنگی، هیئت منصفه

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه فردوسی مشهد Shosseini@ferdowsi.um.ac.ir

۲. دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

مقدمه

در جهان کنونی، گروه‌های فرهنگی مختلف زندگی اجتماعی مشترک و در کنار یکدیگر را تجربه می‌کنند. از این‌رو، اجتماع گروه‌های مختلف با رویکردهای متنوع موجب پیچیدگی‌های فرهنگی می‌گردد. بر این اساس، تبیین‌های فرهنگی مختلف در اجتماع موجب می‌گردد تا نظام اجتماعی با چالش‌های فرهنگی مواجه گردد.

کثرت‌گرایی فرهنگی، گفتمانی است که در آن باورها و رفتارهای مختلف مردم در اجتماع با وجود تفاوت‌های فرهنگی، محترم است. بر اساس این مفهوم، افراد می‌توانند رفتارهای خود را بر اساس هنجارهای فرهنگی خویش تنظیم نمایند. (Rosado, 1997, 1) مطابق با آموزه‌های دموکراسی لیبرال، انسان‌ها با هم برابرند و کسی بر دیگری برتری ندارد. (Song, 2007, 45) از این‌رو، این گفتمان بر این باور است که عقاید و باورهای کلیه گروه‌های اجتماعی با رویکردهای فرهنگی مختلف - که گستره متنوعی از قبیل دین، نژاد، زبان و باورهای فرهنگی را در خود جای داده است - محترم بوده و باید توسط فرهنگ غالب به رسمیت شناخته شود.

این مفهوم که از دهه‌ی ۱۹۶۰ در پاسخ به نیازهای اقلیت‌های فرهنگی مهاجر در کشورهای اروپای غربی به وجود آمده است (Kymlica, 2012, 2)، با سیاست‌های هویتی^۱ و مبتنی بر تفاوت^۲ در ارتباط است. از این‌رو حقوق اقلیت‌های فرهنگی در پی آن است تا این گروه‌ها رفتارهای خود را بر اساس شاخص‌های فرهنگی حاکم بر گروه خویش تنظیم نمایند.

تعامل میان عدالت کیفری و کثرت‌گرایی فرهنگی در مراحل مختلف فرآیند کیفری تجلی می‌یابد. بر اساس گفتمان کثرت‌گرایی فرهنگی، شاخص‌های این مفهوم باید در قانون‌گذاری‌های کیفری، مرحله تعقیب کیفری، رویه‌های پلیسی، اجرا و تفسیر قوانین کیفری محل توجه قرار گیرند. صرف‌نظر از این که نهاد قانون‌گذار، رویه‌های پلیسی و .. باید با توجه به ارزش‌های فرهنگی گروه‌های مختلف اجتماعی عمل نمایند، اما بحث بنیادی در این زمینه، بحث تفسیرهای قضایی چند فرهنگی است.

مفهوم کثرت‌گرایی فرهنگی در نظام قضایی هنگامی مطرح می‌شود که از یک سو، عملی

1. Identity Politics

2. Difference Politics



جرمانگاری شده‌باشد و از سوی دیگر، این رفتار در برخی گروه‌های فرهنگی مجاز تلقی شود. کثرت‌گرایی فرهنگی در این فرض بر این اعتقاد است که در جوامع چند فرهنگی، قضات باید با توجه به شاخص‌های فرهنگی حاکم بر آن جامعه به تفسیر قوانین کیفری بپردازند. در این مقاله درصدد پاسخ به این سؤال هستیم که موارد بسط و تحدید تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا کدامند و نظام عدالت کیفری ایران در این حوزه دارای چه جایگاهی است. بر همین اساس، در ادامه با این فرضیه که عملکرد نظام عدالت کیفری ایران در خصوص تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا مثبت ارزیابی نمی‌شود، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا و موارد بسط و تحدید آن را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

اهداف تحقیق

مهم‌ترین اهداف این تحقیق عبارتند از:

۱- تحلیل تفسیرهای قضایی چند فرهنگی

۲- بررسی راهبردهای پیش‌رونده و پس‌رونده تفسیرهای قضایی چند فرهنگی

پیشینه تحقیق

در حوزه کثرت‌گرایی فرهنگی و جایگاه آن در نظام حقوقی تاکنون در کشور، تحقیقی صورت نگرفته‌است. از آن‌جا که کثرت‌گرایی فرهنگی از مباحث میان‌رشته‌ای است، اکثر کتب فارسی موجود در این زمینه به بررسی تعامل کثرت‌گرایی فرهنگی و علوم مورد نظر پرداخته‌اند^۱ اما بحث میان‌رشته‌ای میان کثرت‌گرایی فرهنگی و حقوق کیفری در

۱. پای، لوسین و دیگران، ۱۳۸۰، **بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی**، خواجه سروری، غلامرضا، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی

بشریه، حسین، ۱۳۷۹، **نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم**، تهران، مؤسسه فرهنگی آینده پویان پهلوان، چنگیز، ۱۳۸۰، **فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن**، تهران، نشر پیام امروز سینایی، وحید و همکار، ۱۳۸۴، **کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی شدن**، نامه علوم اجتماعی، شماره پیاپی ۲۵

سجادی، سید مهدی، ۱۳۸۴، **کثرت‌گرایی فرهنگی، هویت و تعلیم و تربیت**، اندیشه‌های نوین تربیتی، دوره ۱، شماره ۱

نوشته‌گان علوم جنایی کشور مشاهده نمی‌شود. تحقیق حاضر، اولین پژوهشی است که در کشور، تبلور مفهوم کثرت‌گرایی فرهنگی را در حقوق کیفری (تفسیرهای قضایی) بررسی می‌کند. این مسئله خود بیان‌گر ضرورت انجام تحقیق در این زمینه است.

اما در دیگر کشورها به ویژه در دو دهه اخیر، پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده‌است که به برخی از این تحقیق‌ها اشاره می‌کنیم. یکی از مهم‌ترین کتب موجود در زمینه کثرت‌گرایی فرهنگی، کتاب "حقوق کثرت‌گرا"^۱ است. این کتاب در بردارنده مجموعه مقالاتی است که به تعامل کثرت‌گرایی فرهنگی و حقوق کیفری می‌پردازد. یکی دیگر از کتب مهم در این زمینه کتاب "عدالت، جنسیت و سیاست‌های کثرت‌گرایی فرهنگی"^۲ است. از دیگر کتب مهم در این حوزه می‌توان به کتاب "کثرت‌گرایی فرهنگی، نظریه‌ای مدنی"^۳، "بازنگری کثرت‌گرایی فرهنگی، تنوع فرهنگی و نظریه سیاسی"^۴ و "سازگار نمودن تنوع فرهنگی"^۵ اشاره کرد.

انجمن جرم‌شناسی استرالیا^۶ در سال ۱۹۹۵ همایشی را در زمینه تعامل کثرت‌گرایی فرهنگی و حقوق کیفری برگزار نمود. برخی از مهم‌ترین مقاله‌های ارائه شده در این همایش عبارتند از: کمک به بزهدیدگان مهاجر در دادگاه^۷ و کثرت‌گرایی فرهنگی و حقوق کیفری: فعالیت‌های نهاد اصلاح قانون^۸. اما نکته قابل توجه آن‌که در کشورهای غربی نیز تعامل کثرت‌گرایی فرهنگی و تفسیرهای قضایی مورد توجه قرار نگرفته‌است.

-
1. Foblets, marie- clarie et al, 2009, **multicultural jurisprudence**, first published, hart publishing
 2. Song, sarah, 2007, **justice, gender and politic of Multiculturalism**, first published, Cambridge university press
 3. Mahmood, Tariq, 2013, **Multiculturalism, A civic idea**, second edition, polity press
 4. Parekh, Bhikhu, 2000, **rethinking Multiculturalism, cultural diversity and political theory**, Macmillan press
 5. Ticreny, Stephene, 2007, **Accommodating cultural diversity**, Ashgate publishing
 6. Australian Institute of Criminology
 7. Chambers, Anthea, 1995, **Assisting Migrant Victims of Crime in Court**, in compilation Australian Institute of Criminology
 8. Evatt, Elizabeth, 1995, **Multiculturalism and Criminal Law: the work of the Law Reform Commission**, in compilation Australian Institute of Criminology



روش تحقیق

با توجه به موضوع مورد نظر و ضرورت اتخاذ تصویری جامع و گسترده در مورد موضوع پژوهش حاضر، روش مورد استفاده، روش توصیفی - تحلیلی از نوع کیفی^۱ است. در این روش، ابتدا موضوع تحقیق که از برخورد با موقعیت مسئله‌ای حاصل می‌گردد، مطرح می‌شود. پس از بیان موضوع تحقیق و با نگرش به نوع پژوهشی که باید انجام شود، اطلاعات لازم در مورد موضوع تحقیق گردآوری می‌گردد. در نهایت، بر اساس داده‌های موجود، مسئله مورد نظر مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱. روش تحقیق در این پژوهش، کیفی است. منظور از روش تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری و یا هرگونه کمی کردن به دست می‌دهد. شیوه مذکور ممکن است به تحقیق درباره زندگی افراد، شرح حال‌ها، رفتارها و همچنین درباره کارکرد سازمانی، جنبش‌های اجتماعی یا روابط بین‌المللی معطوف باشد. هدف از پژوهش کیفی درک پدیده‌های اجتماعی است و به طور کلی پژوهش کیفی، قابل انعطاف‌تر از تحقیق‌های کمی بوده و در پی توصیف‌های تفسیری از پدیده‌ها هستند. نقش بافت و زمینه در این نوع پژوهش بسیار مهم است و این نوع پژوهش را می‌توان یک بررسی کل نگر در نظر گرفت. روش تحقیق کیفی از چند روش گردآوری اطلاعات از قبیل تحقیق میدانی (مصاحبه و مشاهده حضوری) قوم‌شناسی و قوم‌نگاری تشکیل شده است. مصاحبه به مثابه یکی از ابزارهای تحقیق کیفی و مطالعه میدانی، به اقتضای مصاحبه شونده و موضوع مصاحبه به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. مصاحبه فردی و گروهی که بر اساس تعداد افراد مصاحبه شونده در یک جلسه مشخص می‌شود و مصاحبه‌های ژرفایی (عمیق)، هدایت شده و هدایت نشده که بر اساس اختیار مصاحبه کننده و کنترل مصاحبه مشخص می‌گردد. در مصاحبه هدایت شده اختیار طرح پرسش‌ها و کنترل جریان در دست مصاحبه کننده است. مطرح کردن پرسش‌های مشخص از سوی مصاحبه کننده یکی از مشخصه‌های این نوع از مصاحبه‌هاست. در مصاحبه هدایت نشده نیز سؤالات از قبل تعیین نشده و کنترل جریان مصاحبه در دست مصاحبه کننده می‌باشد. نهایتاً مصاحبه ژرفایی، نوع دیگری از مصاحبه است که در آن با فرد صاحب اندیشه و متخصص مصاحبه صورت می‌گیرد. ژرفای این نوع گفتگوها از انواع دیگر مصاحبه‌ها بیشتر است. در این تحقیق با استفاده از روش کیفی، اطلاعات مربوط به گونه شناسی و علت شناسی جرایم شرکتی از طریق مطالعه میدانی "انجام مصاحبه‌های ژرفایی" - به عنوان بهترین روش گردآوری داده‌ها - در روش مصاحبه - به دست آمد. از اینرو منظور از مطالعات میدانی در قسمت‌های مختلف این پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های ژرفایی - به عنوان یکی از روش‌های تحقیق میدانی - است. از آن جا که تحقیق کیفی به دنبال درک و فهم عمیق تجربیات افراد یا گروه‌های ویژه است، بنابراین هنگام نمونه‌گیری باید افراد یا گروه‌هایی را پیدا کرد که دارای این تجربه باشند. بر همین اساس در نمونه‌گیری این پژوهش، پژوهشگران و کنشگران آشنا به مبانی علمی و تجربی کثرت‌گرایی فرهنگی انتخاب شدند. برای مطالعه بیش‌تر ببینید: (درامدی بر تحقیق کیفی، اووه فلیک، ترجمه‌هادی جلیلی)

بر همین اساس، نگارنده با شناسایی و توصیف تعامل کثرت‌گرایی فرهنگی و حقوق کیفری در حوزه تفسیرهای قضایی، گفتمان قضایی ایران و برخی دیگر از کشورها را در این زمینه مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد.

برای جمع‌آوری اطلاعات موجود در این زمینه، با استفاده از روش نمونه پژوهی از روش‌های زیر استفاده شد:

۱- مطالعه کتابخانه‌ای

۲- تجزیه و تحلیل اسناد و پرونده‌های قضایی (بررسی پرونده‌های شعبه ۴۲۲ و ۴۲۳ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، پرونده‌های ۹۲/۳۸۸، ۹۱۰/۷۲۴، ۹۱۰/۸۵۵، ۹۱/۱۷۳۱، ۹۱۰/۳۴۴ در حوزه جرم بی‌حجابی و پرونده‌های ۸۹/۱۰۰۹، ۸۹۰/۲۶۴، ۸۹۰/۲۵۹، ۸۹۰/۲۵۸، ۹۰/۱۵۷۰، ۹۸۰/۲۱۳، ۸۹۰/۲۵۸ در حوزه جرم استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای).

۳- مصاحبه ژرفایی با قضات، کنش‌گران عدالت کیفری، وکلای دادگستری و متهمان (مصاحبه با هفت قاضی، پنج ضابط قضایی، دادستان اسبق شهر تایباد، دو وکیل و یک متهم) از آن‌جا که در ایران تاکنون تحقیقی در این زمینه انجام نشده است، به منظور درک مفهوم کثرت‌گرایی فرهنگی و تبلور آن در تفسیرهای قضایی، با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای ۱۳ مقاله و ۳ جلد کتاب به زبان انگلیسی در این زمینه مطالعه و بخش‌های مورد نظر آن به زبان فارسی ترجمه گردید.

پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل یافته‌های حقوق تطبیقی با مراجعه به اسناد، قوانین کیفری موجود و احکام کیفری صادر شده توسط دادگاه‌ها و تحلیل و ارزیابی این شاخص‌ها، نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل آمد.

کثرت‌گرایی فرهنگی و تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا

کثرت‌گرایی فرهنگی عبارتست از شناسایی شیوه‌ها و رسوم اجتماعی مختلف در گروه‌های قومی گوناگون. در این مفهوم، زیستن در جامعه‌ای متکثر و تحمل و تساهل در مورد آداب و رسوم یکدیگر، غایتی اخلاقاً مطلوب به شمار می‌رود. در کثرت‌گرایی فرهنگی، عدم تعیین فرهنگی وجود دارد. این حکم که فلان فرهنگ از فرهنگ دیگر بهتر است یا ارزشی برابر دارد،



نه صادق است و نه کاذب. (سینایی، بی تا، ۲۰۸)

کثرت‌گرایی فرهنگی گفتمانی است که در آن باورها و رفتارهای مردم با وجود تفاوت‌های فرهنگی، محترم شمرده می‌شود و افراد می‌توانند رفتارهای خود را بر اساس هنجارهای فرهنگی خویش تنظیم نمایند. (Rosado, 1997, 1) از این رو، کثرت‌گرایی فرهنگی بر این باور است که عقاید و باورهای کلیه گروه‌های اجتماعی با رویکردهای فرهنگی مختلف، محترم بوده و باید توسط فرهنگ غالب به رسمیت شناخته شود. گستره کثرت‌گرایی فرهنگی نیز شامل دین، نژاد، زبان و باورهای فرهنگی می‌شود.

در تعریفی دیگر، کثرت‌گرایی فرهنگی به رسمیت شناختن حق اقلیت‌ها در حفظ زبان خود در متن خانواده، حق انجام دادن مراسم دینی، حق ساماندهی روابط در چارچوب اجتماع محلی و نیز حق حفظ رسوم اجتماعی و جمعی افراد است. (لوئیچی، ۱۳۷۰، ۱۷۹ و ۱۸۰)

کثرت‌گرایی فرهنگی که از مباحث مطرح در فلسفه سیاسی است، به دنبال پاسخ‌دهی مناسب به تنوع فرهنگی است. بر اساس این مفهوم، باید نسبت به اقلیت‌های فرهنگی تحمل بیشتری نشان داد. افراد حاضر در اقلیت‌های فرهنگی نیز هم‌چون دیگر شهروندان و برابر با آن‌ها هستند. گرچه کثرت‌گرایی فرهنگی شرط فراگیر جهت شناسایی باورهای سیاسی و اخلاقی است، گستره وسیعی از گروه‌های مختلف از جمله سیاه‌پوستان، زنان، ناتوانان جسمی و ... را در برمی‌گیرد، اما بیشتر نظریه‌های این مفهوم ناظر بر اقلیت‌های قومی و نژادی است. (www.plato.stanford.edu)

چندگانگی فرهنگی^۱ یکی از مفاهیم نزدیک به کثرت‌گرایی فرهنگی است، اما این مفهوم صرفاً به بیان وضعیت تنوع فرهنگی می‌پردازد، در حالی که کثرت‌گرایی فرهنگی لزوم احترام به تمامی گروه‌های فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد. به باور روسادو^۲ این اصطلاح گفتمانی است که باورها و رفتارهای گروه‌های مختلف را شناسایی کرده و به آن‌ها احترام می‌گذارد. این مفهوم، تفاوت‌های فرهنگی - اجتماعی را تأیید کرده و افراد را در انجام هنجارهای فرهنگی خود، تشویق می‌کند. (Rosado, 1997, 3)

1. Diversity

2. Rosado

کثرت‌گرایی فرهنگی بر این اعتقاد است که تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری در جوامع چند فرهنگی باید متناسب با شرایط حاکم بر آن اجتماع باشد. بر این اساس، همچنان که گروه‌های مختلف فرهنگی در اجتماع زیست می‌نمایند، به نظر می‌رسد که تفسیرهای قضایی نیز باید کثرت‌گرا باشند.

تفسیر نیز در لغت به معنای "هویدا کردن"، "پدیدار ساختن" و "بیان معانی سخن" است. (امیدی، ۱۳۸۹، ۱۶) ترکیب "تفسیر قانون" در میان فارسی‌زبانان ترکیبی ناآشنا و ناشناخته بوده و به دنبال آشنایی ایرانیان با بنیادهای حقوقی غرب، فرهنگ قانون‌گذاری و اصطلاحات قانونی آنان از طریق معادل‌گذاری در زبان فارسی پیدا شده‌است. معادل لغوی تفسیر در زبان انگلیسی واژه‌هایی نظیر "Interpretation" و "Construction" است. واژه نخست در مواردی هم‌چون "توضیح معانی سخن"، "تفهیم معنی" و "آشکار ساختن معنا" به کار می‌رود. فرهنگ‌های توصیفی غربی اصطلاح "تفسیر قانون" را به صورت‌های ذیل توصیف کرده‌اند: "فرایند یا هنر کشف و توضیح معنا و مدلول قانون"، "فرایند یا هنر تعیین معنی و مفهوم قانون یا روشن کردن نقاط تاریک و گشودن پیچیدگی‌ها و زدودن ابهام از قانون" و "چرخه قضایی تشخیص معنی درست قانون بر اساس قواعد و پیش‌فرض‌های مشخص". بر این اساس، تفسیر قضایی تفسیری است که دادرسان در مقام صدور قرار و تعیین حکم وقایع حقوقی از قانون به عمل می‌آورند. این تفسیر، اجتهاد دادرس برای استنباط و استخراج حکم قضیه از قانون است. این نوع تفسیر بیش‌تر جنبه عینی و عملی دارد و همواره در کنار تطبیق و اجرای قانون مطرح می‌شود. گرچه دادرس، تفسیر و تطبیق را در هم می‌آمیزد و هر دو را به صورت توأمان در نظر می‌آورد، با این حال، تفسیر برای او در حکم وسیله است و تطبیق به منزله هدف. قاضی قانون را به منظور تطبیق و اجرای آن تفسیر می‌کند. به بیان دیگر، آن‌چه برای دادرس موضوعیت دارد، اجرای قانون و تطبیق آن بر وقایع حقوقی است نه مجرد تفسیر آن. (همان، ۱۷)

بنابراین، دادرسان در بسترهای فرهنگی متفاوت، تفسیرهای مختلفی را بر اساس شرایط فرهنگی حاکم بر آن جامعه اتخاذ می‌نمایند. از این‌رو، انتظار آن است که در جوامع چند فرهنگی، قضات با توجه به شاخص‌های فرهنگی حاکم بر آن جامعه به تفسیر قوانین کیفری بپردازند. بنابراین، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را به شرح ذیل تعریف می‌کنیم:



”تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا به مفهوم توجه دادرسان به هنجارهای فرهنگی در تفسیر قوانین است؛ بدین معنا که قضات در جوامع چند فرهنگی باید تفسیر قضایی خویش را بر اساس شاخص‌های فرهنگی آن جوامع به عمل آورند.“ بر اساس تعریف فوق، می‌توان گفت تفسیر جرم قاچاق کالا و سوخت باید در شهرهای مرزی و غیر مرزی متفاوت باشد.

جهت تبیین بهتر موضوع، مثال‌هایی ذکر می‌کنیم. در بسترهای اجتماعی ایران، در برخی مناطق مرزی از جمله شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی (در حاشیه مرز افغانستان) و شهرستان سراوان در استان سیستان و بلوچستان (در حاشیه مرز پاکستان) قاچاق کالا و مواد مخدر، شغل بسیاری از ساکنان این مناطق به شمار می‌رود. در برخی دیگر از نقاط کشور از جمله سنندج و مریوان، حمل و نگهداری سلاح جزء فرهنگ مردم است.^۱ در برخی دیگر از نقاط کشور نیز فرهنگ قاچاق مواد مخدر و فرهنگ استفاده از کلمات توهین‌آمیز وجود دارد. در این حالات، تصادم میان نظام جرم‌انگاری و رسوم فرهنگی شکل می‌گیرد؛ زیرا از یک سو قاچاق کالا و مواد مخدر، استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای و ... جرم است و از سوی دیگر ارتکاب این عناوین مجرمانه با هنجارهای فرهنگی سازگار است. اقتضای تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا در این شرایط، توجه به بافت فرهنگی حاکم بر این مناطق و تفسیر قانون بر اساس واقعیت‌های اجتماعی است.

تصادم نظام جرم‌انگاری و آداب محلی در برخی کشورهای دیگر نیز مشاهده می‌شود. به عنوان مثال، در آلمان، اقلیت‌های فرهنگی مرتکب قتل‌های ناموسی^۲ فراوانی می‌شوند، در حالی که بر اساس مجموعه قوانین کیفری آلمان، خیانت زن، مجوز قتل او به شمار نمی‌رود، اما بر اساس برخی فرهنگ‌های بومی، کشتن زن به دلیل خیانت، حق و تکلیف مرد محسوب می‌شود. (Foblets, marie- clarie et al, 2009, p 229)

۱. صدا و سیما جمهوری اسلامی در روز آغازین ماه مبارک رمضان سال جاری، برخی رسوم محلی شهرهای مختلف را در آغاز ماه رمضان در بخش خبر نیم‌روزی سیما پخش کرد. رسم محلی استان کردستان شلیک اسلحه بود. بر اساس این رسم، افراد با شلیک اسلحه کلاشینکف، آغاز ماه مبارک رمضان را جشن می‌گرفتند؛ حال آن‌که حمل سلاح جرم است، اما ریشه دواندن این رسم تا بدان‌جا بوده که صدا و سیما نیز بدون توجه به جرم بودن این رفتار، آن را در قالب آداب محلی به تصویر می‌کشد.

در آمریکا در سال ۱۹۸۴ جوان ۲۳ ساله‌ای به نام موآ^۱ پس از شش سال زندگی در این کشور، دختری به نام ژیونگ^۲ را از محوطه دانشگاه فرنسو^۳ ربود و وی را مجبور به برقراری رابطه جنسی نمود. ژیونگ پس از این اتفاق به اتهام تجاوز به عنف و آدمربایی از موآ شکایت کرد. موآ در جلسه رسیدگی در مقام دفاع از خود به یکی از رسوم قبیله‌ی همونگ^۴ به نام ازدواج از طریق تسخیر^۵ استناد کرد. بر اساس این فرهنگ، مرد جوان، دختر مورد نظر خود را می‌رباید. یکی از ویژگی‌های اصلی این فرهنگ آن است که دختر با وجود رضایت قلبی، می‌بایست در برابر مرد مقاومت کند. (song, 2007, 87) در این حالات نیز راهبرد تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا توجه به هنجارها و واقعیت‌های اجتماعی و تأثیر آن بر تفسیر و تعیین کیفر است.

علی‌الاصول، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا و توجه به هنجارهای فرهنگی ارتکاب جرم، منجر به صدور حکم برائت یا تخفیف در مجازات می‌شود. این امر نه تنها به رشد مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی در علوم جنایی می‌انجامد، بلکه موازین دادرسی منصفانه را نیز فراهم می‌کند. بنابراین، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، چالش عدم توجه به هنجارهای فرهنگی در نظام جرم‌انگاری را برطرف کرده، به باورهای فرهنگی تمامی گروه‌های اجتماعی احترام می‌گذارد و بر اساس بسترهای فرهنگی مختلف، منعطف می‌شود.

راهبردهای پس‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا

در این قسمت، اعمال رویکردهای ارزشی و عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری به مثابه راهبردهای پس‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا تحلیل می‌شوند. از یک سو، رویکردهای ارزشی قضات به ویژه مبانی ایدئولوژیک آنان و از سوی دیگر، عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری، گاه تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را با چالش مواجه

-
1. Moua
 2. Xiong
 3. Frenso
 4. Hmong
 5. Marriage By Capture



می‌کند. اعمال رویکردهای ارزشی به ویژه در جرایم حوزه فرهنگ خود را نشان می‌دهد. عدم حضور هیئت منصفه نیز امکان توسل به تفسیرهای قضایی را از بین می‌برد.

اعمال رویکردهای ارزشی

اعمال رویکردهای ارزشی به مثابه یکی از راهبردهای پس‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا ذیل مباحث مربوط به "خودی‌ها و غیرخودی‌ها"^۱ در جامعه‌شناسی کیفری مطرح می‌شود. در مباحث مربوط به جامعه‌شناسی، خودی‌ها، گروه‌های غالب اجتماعی و غیرخودی‌ها گروه‌های خاص و اقلیت هستند (rabe,2003,105) در جوامع کثرت‌گرا، پویایی اجتماعی و تعارض منافع جنبش‌های نژادی، جنسی، طبقه‌ای، اخلاقی و مذهبی، مباحث مربوط به خودی‌ها و غیرخودی‌ها را به وجود آورده‌است. از آن‌جا که از یک سو، در جوامع چند فرهنگی، گروه‌های فرهنگی به دنبال آن هستند تا منافع خود را بر کل جامعه تسری دهند و از سوی دیگر، تنها یک گروه خود را به عنوان گروه غالب معرفی می‌کند، بحث مربوط به خودی‌ها و غیرخودی‌ها شکل می‌گیرد.

خودی‌ها از گروه و فرهنگ غالب و غیرخودی‌ها از فرهنگ‌ها، جوامع و گروه‌های بیگانه هستند. (merton,1972,15) بر این اساس، در جوامع چند فرهنگی، غیرخودی‌ها، اقلیت‌های نژادی، قومی، اخلاقی و مذهبی هستند. در بسترهای قدرت، مردان و سفیدپوستان، خودی و در بستر تعامل‌های اجتماعی، بیگانگان، غیرخودی تلقی می‌شوند. (rabe,2003,150)

بحث مربوط به خودی‌ها و غیرخودی‌ها از مباحث چالش‌برانگیز در حوزه علوم اجتماعی است. از آن‌جا که رفتار نظام‌های سیاسی با غیرخودی‌ها تبعیض‌آمیز است، کثرت‌گرایی فرهنگی و گروه‌های حقوق بشری خواستار رفتار کرامت‌مدار با تمامی گروه‌های اجتماعی هستند. رفتارهای عاری از تبعیض با اقلیت‌ها یکی از ملزومات کثرت‌گرایی فرهنگی و رعایت اصل برابری انسان‌ها است، اما رشد مفهوم خودی‌ها و غیرخودی‌ها، مبانی نظری کثرت‌گرایی فرهنگی را زیر سؤال می‌برد. در نتیجه لزوم احترام به گروه‌های مختلف اجتماعی - به مثابه راهبرد اصلی کثرت‌گرایی فرهنگی - در جوامع قائل به این نظریه از بین می‌رود.

در بسترهای اجتماعی ایران و در جامعه‌شناسی محاکم کیفری، شاخص "مذهب" باعث تقسیم افراد به خودی و غیر خودی می‌شود. با توجه به بافت مذهبی حاکم بر کشور و نظام گزینش قضات که عموماً در پی استخدام افراد مذهبی است، می‌توان بیان داشت که اعمال رویکردهای ارزشی و عدم توجه به مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی موجب می‌شود تا دادرسان در رسیدگی‌های کیفری به مبانی فرهنگی توجه نمایند.

در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: "زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و اوتار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد."

در این فرض به نظر می‌رسد، افکار و مبانی ایدئولوژیک قاضی در صدور حکم و تفسیر قانون بر مبانی فرهنگی غالب شود. در برخی شهرهای کشور از جمله تهران و برخی شهرهای شمالی و غربی، حجاب به مثابه شاخصی فرهنگی، چندان مطلوب نیست. در این حالت، چنانچه قاضی، شاخص مذهب را بر اساس رویکردهای ارزشی ملاک عمل قرار دهد و بر این اساس حکم را صادر کند، افراد بی‌اعتقاد به مذهب - البته به زعم دادرس - غیر خودی تلقی شده و با کیفرهای سخت محکوم می‌شوند. بر اساس مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی، باید به گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله بدحجابان احترام گذاشت. این امر بدان دلیل است که آنان نیز جزئی از اجتماع بوده و از "حق متفاوت بودن"^۱ برخوردارند. مطابق با مبانی نظری کثرت‌گرایی فرهنگی تمامی گروه‌های اجتماعی با هم برابرند و نه تنها رفتارهای نظام سیاسی باید با تمامی گروه‌ها برابر باشد، بلکه باید تمامی اقلیت‌ها را نیز به رسمیت شناخت. از این رو، تبلور مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی در تفسیرهای قضایی لزوم برخورد انعطاف‌پذیر با بدحجابان را تجویز می‌کند. البته به باور نگارنده، گرایش به عدم استفاده از حبس برای بدحجابان، نه به دلیل احترام به پدیده بدحجابی است، بلکه این ایده نشأت گرفته از عدم کارایی مداخلات کیفری در حوزه مسئله بدحجابی است. به نظر می‌رسد که مداخله کیفری در حوزه فرهنگ‌سازی حجاب، باید به عنوان آخرین حربه، ملاک عمل کنش‌گران کیفری قرار گیرد. نتایج پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که مداخلات کیفری در این حوزه چندان کارساز نیفتاده است.



برخوردهای سرکوبگرانه با متخلفان این حوزه صرفاً بازدارندگی برونی به همراه خواهد داشت؛ حال آنکه فرهنگ‌سازی از طریق رویکردهای چندنهادی و جامعه محور، بازدارندگی درونی و بیدار شدن پلیس درونی را به دنبال دارد. به باور نگارنده، عملکرد نامناسب متولیان فرهنگی و پیامدهای ناگوار مجازات حبس بر اساس رهیافت‌های جرم‌شناسانه دو دلیل عمده راهبرد "برخوردهای غیرکیفری" یا در فرض کشف جرم، رفتار غیر شدید با بدحجابان است.

بررسی چند پرونده در شهر مشهد در حوزه بدحجابی نشان می‌دهد که بدحجابان به عنوان غیر خودی تلقی می‌شوند. به عنوان مثال، در شعبه ۴۳۲ دادسرای مجتمع قضایی شهیدهاشمی نژاد مشهد، خانم "ز.الف" در پرونده شماره ۹۱۰/۳۴۴ به اتهام "حضور زنان در معابر و انظار عمومی بدون حجاب شرعی" به دادسرای مذکور معرفی می‌شود. بازپرس پرونده در مورد این فرد قرار مجرمیت صادر می‌کند. در شعبه ۴۲۲ دادسرای مجتمع قضایی شهیدهاشمی نژاد مشهد نیز در پرونده شماره ۹۲/۳۸۸ نیز خانم‌ها "ش.خ" و "س.الف" به اتهام "بدحجابی" توسط ضابطان به دادسرا معرفی می‌شوند و با قرار مجرمیت مواجه می‌شوند. در این جا به خوبی می‌توان ردپای اعمال رویکردهای ارزشی را در تفسیرهای قضایی مشاهده کرد. در این شرایط، بازپرس با اعمال کلیشه‌های ذهنی خود در مورد این قضیه، رویکردهای ارزشی را در مورد غیر خودی‌ها اعمال می‌کند؛ حال آن که به عقیده یکی از کنش‌گران عدالت کیفری حاضر در پرونده، وضعیت حجاب خانم‌ها چندان هم مستحق قرار مجرمیت نبود، اما اعمال رویکردهای ارزشی آنان را مستحق قرار مجرمیت دانست.

در ماده ۱ قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره نیز آمده است: "به موجب این قانون ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده است، ممنوع می‌باشد."

بر اساس ماده ۱۸ این قانون "واردکنندگان، تولیدکنندگان و توزیع‌کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه‌ها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می‌گردند". بر اساس ماده ۹ "استفاده‌کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک تا سه میلیون ریال محکوم می‌شود."

در حال حاضر به نظر می‌رسد که استفاده از ماهواره جزئی از فرهنگ مردم شده و اکثر قریب به اتفاق افراد جامعه از آن استفاده می‌کنند. اقتضای تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، لزوم احترام به فرهنگ‌های اجتماعی است. از این‌رو، لزوم احترام به آداب فرهنگی - از جمله استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای - بر اساس مبانی نظری کثرت‌گرایی فرهنگی مستلزم برخورد انعطاف‌پذیر با متخلفان این حوزه است. تبلور اعمال رویکردهای ارزشی قضات و غیر خودی دانستن متهمان این جرم، بدین صورت شکل می‌گیرد که مقامات قضایی با کلیشه‌های ذهنی خود، استفاده از ماهواره را رفتاری خلاف شرع می‌پندارند و به کارگیری آن را منشأ پیامدهای ناگوار دانسته و به مقابله جدی با آن می‌پردازند. چنانچه دادرس بر اساس رویکردهای ارزشی، استفاده از ماهواره را بر خلاف شئون شرعی در نظر گیرد، فرد را محکوم به مجازات می‌کند. این امر، از یک‌سو، مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی را زیر سؤال می‌برد و از سوی دیگر استفاده کنندگان از تجهیزات ماهواره‌ای را به عنوان غیر خودی‌ها به کیفر می‌رساند.

بررسی هفت پرونده در شهر مشهد در خصوص اتهام "حمل و نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره" در مرحله دادسرا نشان می‌دهد که در این شهر، قضات (به معنای عام) در مورد این جرم، به تفسیرهای کثرت‌گرا اهمیتی نمی‌دهند. در شعبه ۴۲۲ دادسرای مجتمع شهیدهاشمی نژاد و در پرونده شماره ۹۰/۶۹۶/متهم "ز.ز"، در پرونده شماره ۸۹/۱۰۰۹/متهم "رح"، در پرونده شماره ۸۹۰/۲۶۴/متهم "م.ز" و "رح"، در پرونده شماره ۸۹۰/۲۵۹/متهم "م.ب"، در پرونده شماره ۸۹۰/۲۵۸/متهم "م.گ" و در پرونده شماره ۸۹۰/۲۱۳/متهم "ج.ن" با قرار منع تعقیب مواجه شد.

در پرونده شماره ۹۰/۱۵۷۰ بازپرس با استناد به هنجارهای فرهنگی و این که استفاده از ماهواره امری معمول است، قرار منع تعقیب صادر کرد. بنابراین در مورد استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای مشاهده می‌شود که رویکرد منسجمی در پذیرش تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا وجود ندارد.

یکی دیگر از قوانین کیفری حوزه فرهنگ در نظام عدالت کیفری ایران، قانون نحوه مجازات



اشخاصی که در امور سمعی بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند، است.^۱ در مورد این قانون نیز چنانچه دادرس رویکردهای ارزشی را مورد توجه قرار دهد، بسا که فرد را به حداکثر مجازات قانونی محکوم نماید.

در پرونده‌ای در شهر مشهد^۲، مأمور اداره اماکن جهت بررسی وضعیت مجوز سفره‌خانه‌ای سنتی در مشهد به این مکان سرکشی می‌کند. با بررسی وضعیت جواز سفره‌خانه، وی رایانه موجود در سفره‌خانه را مورد واریسی قرار می‌دهد^۳ و چند آهنگ غیرمجاز از وی کشف می‌کند. با توجه به همکاری مساعد اداره اماکن و نیروی انتظامی، وی به سرعت مسئله را به کلانتری صالح گزارش می‌دهد و فرد به اتهام نگهداری از آهنگ‌های غیرمجاز به کلانتری منتقل می‌شود و رایانه وی ضبط می‌شود. وی در مرحله بازپرسی تفهیم اتهام شده و با صدور قرار مجرمیت مواجه می‌شود. بنا به اظهارات متهم، بازپرس پرونده فردی مذهبی بوده‌است و

۱. این قانون مصوب سال ۷۶ بوده که در سال ۸۶ با پیروی از رویکردهای عوام‌گرایانه، دستخوش اصلاحاتی گردید. دلیل اصلی اصلاح قانون، انتشار فیلم خصوصی هنرپیشه زن ایرانی (ز-۱) با فردی در پاییز سال ۸۵ بوده‌است. در پی انتشار فیلم مزبور ۶۶ نفر از نمایندگان مجلس با پیشنهاد طرحی خواستار اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی بصری فعالیت غیر مجاز می‌نمایند، شدند. نماینده‌ای که در مجلس این طرح را معرفی نمود، در اهمیت این طرح چنین گفت: "بنده استدعا دارم، خواهش می‌کنم، تمنا می‌کنم، همکاران عزیز به این طرح توجه کنند، طرحی که مربوط به ناموس ملی است. بانیان، سرمایه‌گذاران، طراحان و مجریان اینگونه مظالم در حق ناموس این ملت، جزایی جز اعدام و نابودی مادام‌العمر نباید داشته‌باشند". این مصوبه نهایتاً در شهریور ماه سال ۸۶ جهت اجرا به رئیس‌جمهور ابلاغ گردید. بر اساس ماده ۳ این قانون "عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دو بیست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند". بر اساس بند ب ماده ۳ "تهیه و توزیع و تکثیر کنندگان نوارها و دیسک‌ها و لوحهای فشرده‌شو و نمایشهای مبتذل چنانچه از مصادیق افساد فی‌الارض نباشند در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون (۲,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون (۵,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس و یا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه بنا به مراتب به عنوان تعزیر محکوم می‌شوند".

۲. اطلاعات این پرونده از طریق انجام مصاحبه با متهم به دست آمد.

۳. البته با توجه به این که رایانه فرد جزء حریم خصوصی اوست، واریسی رایانه توسط مأمور اماکن به نظر غیرقانونی می‌رسد.

همین عامل باعث شد تا وی غیر خودی تلقی شده و با قرار مجرمیت مواجه شود. بنابراین در نظام عدالت کیفری ایران، به ویژه در جرایم حوزه فرهنگ، اعمال رویکردهای ارزشی یکی از چالش‌های تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا است. در این بستر، غیر خودی‌ها با پاسخ‌های کیفری سخت‌گیرانه مواجه می‌شوند؛ حال آن‌که اقتضای تفسیرهای کثرت‌گرا احترام گزاردن به تمامی فرهنگ‌های موجود در اجتماع است. در این رابطه و در رد اعمال رویکردهای ارزشی و نگاه غیر خودی‌مآبانه به متخلفان حوزه فرهنگ، می‌توان به سخنان مقام معظم رهبری در شهر بجنورد در سال ۱۳۹۱ اشاره کرد. ایشان در رابطه با بدحجاب‌ها فرمودند: «با روی خوش پذیرا باشید؛ با سماحت، با مدارا. فرمود: «و سنّة من نبيّه»، که ظاهراً عبارت است از «مداراه الناس»؛ مدارا کنید. ممکن است ظاهر زنده‌ای داشته باشد؛ - خوب - داشته باشد. بعضی از همین‌هایی که در استقبال امروز بودند ... خانم‌هائی بودند که در عرف معمولی به آنها می‌گویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد می‌ریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته به این اهداف و آرمان‌هاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقص‌های این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند». (پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری)

عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری

یکی دیگر از راهبردهای پس‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری است. فلسفه وجودی هیئت منصفه در دادرسی کیفری رعایت موازن عدالت و انصاف بر اساس وجدان عمومی است. خاستگاه این نهاد حقوقی کشور انگلستان است. (Hostettler, 2004, 16) حداقل وظیفه هیئت منصفه در دادرسی کیفری، یافتن حقیقت، اعمال قانون و قضاوت در مورد پرونده است. (marder, 2002, 659) این امر از طریق مشارکت فعال شهروندان به مثابه وجدان عمومی حاکم بر یک جامعه محقق می‌شود. به گفته الکسیس دی توکوویل^۱ هیئت منصفه با قدمتی نزدیک به دو قرن،

1. Alexis de Tocquvill



"مدرسه‌ای آزاد"^۱ است که در آن درس دموکراسی و خودگردانی به شهروندان آموخته می‌شود. (marder,2002,659)

هیئت منصفه جمعی متشکل از افراد عادی از اقشار مختلف جامعه است که در کنار قضات در امر رسیدگی کیفری دخالت دارد. فلسفه وجودی این نهاد حقوقی دخالت دادن افکار عمومی در ارزیابی لطمه وارد شده به نظم جامعه و تعیین واکنش مناسب در برابر آن است. در واقع هدف این است که با حضور و مداخله افراد عادی جامعه در رسیدگی و صدور رأی، قوانین خشک جزایی در موارد لزوم انعطاف‌پذیر شده و قضاوت جامعه در مورد عمل مرتکب و درجه تقصیر او در رسیدگی‌های کیفری تجلی یابد. (خالقی، ۱۳۹۱، ۳۴۵)

بنابراین، ویژگی بارز هیئت منصفه دخالت فعال شهروندان در امری حاکمیتی به نام قضاوت است. در این چارچوب، هیئت منصفه با در نظر گرفتن شرایط مختلف که ممکن است مورد توجه قاضی حقوق دان نباشد، نظر خود را در مورد پرونده اعلام می‌کند. به طور کلی، یکی از ایرادات وارده به دادرسان، توجه صرف آنان با مسائل حقوقی است. دلیل این امر نیز مشخص است؛ زیرا قاضی حقوق دان بوده و در دانش‌کده حقوق با عبارات و مفاهیم حقوقی سر و کار داشته‌است. این امر موجب می‌شود تا کلیشه‌های ذهنی قاضی پر از اصطلاحات حقوقی باشد و این شاخص، رسیدگی وی را تحت تأثیر قرار دهد. عدم آشنایی کافی قاضی با مسائلی چون اقتصاد، فرهنگ، جامعه و ... حضور نمایندگان اجتماع در داری‌های کیفری را اجتناب‌ناپذیر ساخته‌است.

یکی از مبانی اصلی در کثرت‌گرایی فرهنگی لزوم احترام به گروه‌های مختلف اجتماعی است. از آن جا که علی‌الاصول، دادرسان به دلیل عدم بومی بودن در منطقه محل خدمت^۲ با مبانی فرهنگی آن محل آشنا نیستند، حضور نمایندگان اجتماع می‌تواند در دادرسی اثرگذار باشد. آشنایی اعضای هیئت منصفه با باورهای فرهنگی در تفسیرهای قضایی از قوانین کیفری اثر می‌گذارد.

1. Free School

۲. در خصوص این مطلب در نظام بومی‌گزینی قضات در راهبردهای پیش‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا توضیح بیشتری ارائه خواهیم داد.

به طور کلی، یکی از ویژگی‌های اصلی اعضای هیئت منصفه، تعلق آنان به همان بافت فرهنگی است. بومی بودن اعضای هیئت منصفه از ویژگی‌هایی است که در برخی کشورها در متن قانون تبلور یافته‌است.^۱ از این رو، حضور نمایندگان اجتماع در دادرسی کیفری و آشنایی آنان با مبانی فرهنگی حاکم بر آن منطقه موجب می‌شود تا پژوهاک کثرت‌گرایی فرهنگی در رسیدگی‌های کیفری شنیده شود.

به نظر می‌رسد که به موازات حضور فعال هیئت منصفه در رسیدگی‌های کیفری، اهداف و مبانی نظری کثرت‌گرایی فرهنگی بهتر تضمین شود و بالعکس، با کم‌رنگ شدن حضور نمایندگان اجتماع در رسیدگی‌های کیفری، تحقق کثرت‌گرایی فرهنگی در تفسیرهای قضایی با چالش مواجه شود. دلیل این امر توجه نمایندگان اجتماع به مبانی فرهنگی و اجتماعی در رسیدگی‌های کیفری است. عدم حضور هیئت منصفه نیز اختیاری مضاعف به دادرسی اعطا می‌کند. بسا که وی با اعمال رویکردهای ارزشی در صدد نفی کثرت‌گرایی فرهنگی در فرایند دادرسی برآید.

عدم حضور هیئت منصفه در رسیدگی‌های کیفری و سپردن تمامی مسائل به قاضی ناآشنا به هنجارهای فرهنگی موجب می‌شود تا دادرسی فارغ از توجه به مبانی فرهنگی به صدور رأی اقدام نماید. تالی فاسد این امر، "عدم تحقق راهبرد احترام به گروه‌های مختلف فرهنگی" و "اعمال کیفرهای شدید" خواهد بود.

در نظام حقوقی ایران، از زمان تصویب قانون اساسی مشروطه، هیئت منصفه در رسیدگی‌های کیفری پیش‌بینی گردیده، اما از همان زمان تاکنون، صلاحیت این نهاد محدود بوده، دخالت آن هیچ‌گاه قلمروی وسیعی نداشته‌است. به موجب اصل ۷۹ متمم قانون اساسی مقرر شده بود: "در موارد تقصیرات سیاسی و مطبوعات، هیئت منصفین در محاکم حاضر خواهند بود." پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظر به اهمیت و جایگاه هیئت منصفه، لزوم دخالت آن در رسیدگی‌های کیفری در عالی‌ترین متن قانونی کشور یعنی قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفت ولی بار دیگر، الزام قانون اساسی متوجه رسیدگی به جرایم خاصی گردید. (همان، ۳۴۷) بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی "رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی

۱. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان به قانون هیئت منصفه انگلستان اشاره کرد.



علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط و اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند. بدین ترتیب و بر اساس مقررات فراتقنینی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، حضور هیئت منصفه در محاکم کیفری تنها در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی امکان‌پذیر است و در مورد دیگر جرایم، هیئت منصفه نقشی در دادرسی کیفری نخواهد داشت.

رویه عملی نظام قضایی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که هیئت منصفه در محاکم رسیدگی‌کننده به جرایم سیاسی حضور ندارد. مصداق بارز این گفته در محاکم کیفری جرایم سیاسی در سال ۱۳۸۸ نمود پیدا کرد. دلیل این امر، عدم تعریف جرم سیاسی در نظام حقوقی ایران است. با وجود گذشت بیش از سی سال از تصویب قانون اساسی، کماکان جرم سیاسی تعریف نشده است. از این‌رو در حال حاضر تنها در جرایم مطبوعاتی، نمایندگان اجتماع در رسیدگی حضور دارند.

بر اساس ماده ۱ قانون هیئت منصفه (اصلاحی ۱۳۸۲) "رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در دادگاه صالحه صورت می‌گیرد. هیئت منصفه در دادگاه‌های تحت نظر قوه قضائیه طبق این قانون تشکیل می‌گردد". بر اساس ماده ۱۳ این قانون نیز "پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضاء هیئت منصفه به شور پرداخته و نظرکتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می‌دارد: الف - متهم بزهکار است یا خیر؟ ب - در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟" تبصره این ماده نیز اشعار می‌دارد که پس از اعلام نظر هیئت منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

حال و پس از بیان اصل ۱۶۸ قانون اساسی و مواد مربوط به بحث مورد نظر در قانون هیئت منصفه به تحلیل وضعیت هیئت منصفه در نظام قضایی جمهوری اسلامی می‌پردازیم. یکی از انتقادات وارد بر اصل ۱۶۸ قانون اساسی، در نظر گرفتن جایگاهی نازل برای نهاد هیئت منصفه است. همان‌طور که مطرح شد، نمایندگان اجتماع با توجه به شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در پی برقراری عدالت هستند. توجه به این شاخص‌ها به عنوان رسالت هیئت منصفه، می‌طلبد تا این نهاد حقوقی در مورد تمامی

جرایم یا حداقل گستره وسیع‌تری از جرایم صلاحیت حضور داشته باشد.

در بحث مورد نظر ما، باورها و هنجارهای فرهنگی باید در رسیدگی کیفری مورد توجه قرار گیرد. مثال‌های ذکر شده در قسمت‌های قبل را جهت نقد وضعیت هیئت منصفه در ایران بررسی می‌کنیم. فرهنگ‌های حجاب، قاچاق کالا و سوخت، استفاده از کلمات توهین‌آمیز، استعمال مواد مخدر و... از مواردی هستند که در تعارض میان نظام جرم‌انگاری و خرده‌فرهنگ‌های گروه‌های خاص قرار دارند. لزوم احترام به باورهای فرهنگی ایجاب می‌نماید تا در محاکم رسیدگی‌کننده به این پرونده‌ها، هیئت منصفه جهت توجه به آداب اجتماعی حضور داشته باشد. اما با توجه به اصل ۱۶۸ قانون اساسی امکان حضور هیئت منصفه تنها در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی امکان‌پذیر است.^۱

بر اساس ماده ۱۳ قانون هیئت منصفه نیز نمایندگان اجتماع پس از شور، نظر خود را در مورد بزهکاری و استحقاق تخفیف در مجازات متهم اعلام می‌کنند، اما دادرس بر اساس قانون مبادرت به صدور رأی می‌نماید. بنابراین، در صورتی که در فروض بسیار نادر، هیئت منصفه با توجه به هنجارهای فرهنگی، مجرم را مستحق تخفیف بداند، دادرس می‌تواند به درخواست هیئت منصفه عمل نکرده و نظر خود را در حکم قید نماید.

با توجه به تحلیل‌های گفته شده، می‌توان بیان داشت که هیئت منصفه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی، بیش‌تر نهادی است تشریفاتی تا مرجعی کارآمد و مؤثر. صلاحیت محدود حضور هیئت منصفه در محاکم کیفری بر اساس اصل ۱۶۸ قانون اساسی در مورد جرایم مطبوعاتی و سیاسی و نقش نمادین آن بر اساس ماده ۱۳ قانون هیئت منصفه، برخی از چالش‌های نظام حقوقی ایران در این زمینه است.

بنابراین در نظام حقوقی ایران در فرض تعارض نظام جرم‌انگاری و هنجارهای فرهنگی، هیئت منصفه نقشی در دادرسی کیفری نخواهد داشت. این امر که نشأت گرفته از اصل ۱۶۸ قانون اساسی است، موجب می‌شود تا توجه به باورهای فرهنگی در دادرسی کیفری نفی شده و کثرت‌گرایی فرهنگی، جایگاه خود را در تفسیرهای قضایی از دست دهد.

۱. البته با توجه به نکته پیش‌گفته و عدم تعریف جرم سیاسی، هیئت منصفه در پرونده‌های جرایم سیاسی نیز حضور ندارد.



راهبردهای پیش‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا

در این قسمت، نظام بومی‌گزینی قضات و پذیرش دفاع فرهنگی^۱ به مثابه راهبردهای پیش‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا تحلیل می‌شوند. از یک سو، به کارگیری قضات در مناطق بومی و از سوی دیگر، پذیرش دفاع فرهنگی در مرحله تعیین کیفر موجب رشد تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا در نظام‌های قضایی می‌شود.

پذیرش دفاع فرهنگی در مرحله تعیین کیفر

خاستگاه دفاع فرهنگی در کشورهای پلورالیستی، وقتی است که از یک سو عملی جرم‌انگاری شده و از سوی دیگر انجام این رفتار بر اساس هنجارهای فرهنگی حاکم بر بخشی از جامعه، امری مباح تلقی شود. در این صورت استناد متهم به رسوم فرهنگی در مرحله تعیین کیفر^۲ موجب شکل‌گیری مفهومی به نام دفاع فرهنگی شده است (Foblets, marie clarie et al, 2009, 61)، که بر این اساس، متهم می‌تواند در مرحله تعیین کیفر به این مفهوم استناد کرده و دادرس بر این مبنا حکم خود را صادر نماید. در مقام تعریف، دفاع فرهنگی عبارتست از استناد متهم به مجموعه آداب، رسوم و عقاید پذیرفته شده در یک گروه فرهنگی خاص که توسط رویه قضایی مورد پذیرش قرار می‌گیرند. استناد به دفاع فرهنگی در مرحله تعیین کیفر در نظام‌های حقوقی مختلف آثار متفاوتی به همراه دارد. در برخی کشورها، دفاع فرهنگی در تعیین کیفر اثری ندارد. در برخی دیگر، استناد به این دفاع موجب صدور حکم برائت می‌شود و در برخی دیگر نیز استناد متهم به دفاع فرهنگی موجب تغییر عنوان مجرمانه و اثرگذاری بر تعیین کیفر و یا اعمال حداقل مجازات قانونی می‌شود. برخی از هواداران این مفهوم نیز پارافراتر نهاده و معتقدند توجه به دفاع فرهنگی به مرحله پیش از محاکمه^۳ نیز سرایت می‌کند. بدین معنا که دادستان می‌تواند در صورت استناد متهم به دفاع فرهنگی، قرار منع تعقیب صادر نماید (ibid, 79)

در نظام حقوقی ایران در برخی موارد، دفاع فرهنگی در تفسیر قضایی و به تبع آن تعیین

1. Cultural defense
2. Sentencing
3. Pre-trial Step

کیفر فاقد اثر مشخصی است. در برخی شرایط، مجازات موجود در متن قانون، منعطف نبوده و قانون تنها یک مجازات را برای جرم ارتكابی در نظر می‌گیرد. به عنوان مثال در ماده ۸ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۹ آمده است: "هر کس هروئین، مرفین... را وارد کشور نماید یا... با توجه به میزان مواد به مجازات ذیل محکوم می‌شود: ... ۶- بیش از ۳۰ گرم اعدام و مصادره اموال ناشی از همان جرم". بر اساس ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، قتل عمد موجب قصاص است. گرچه در این مورد امکان تراضی بزه‌دیده و بزهکار موجب پرداخت دیه می‌شود، اما کیفر اصلی قتل عمد قصاص است. بنابراین یکی دیگر از چالش‌های قضات در پذیرش دفاع فرهنگی به عملکرد نظام تقنینی در مرحله تعیین کیفر برمی‌گردد. در این حالت، ممکن است قاضی دفاع فرهنگی را بپذیرد، اما از آنجا که قانون تنها یک مجازات را برای جرم خاص در نظر گرفته‌است و حداقل و حداکثری برای مجازات تعیین نکرده‌است، قاضی به ناچار کیفر قانونی را ملاک قرار می‌دهد.

در نظام عدالت کیفری ایران، تصادم میان هنجارهای فرهنگی و جرایم مستوجب حد، به ویژه در مورد دو جرم قذف و شرب خمر رخ می‌دهد. استفاده از کلمات توهین‌آمیز در برخی خرده‌فرهنگ‌های بزهکارانه امری معمول است. در میان غیرمسلمانان نیز شرب خمر امری به هنجار محسوب می‌شود. در این حالات، پرسش این است که دفاع فرهنگی چه اثری بر تفسیر قضایی دارد؟

بر اساس ماده ۲۶۶ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) غیرمسلمان تنها در صورت تظاهر به مصرف مسکر، محکوم به حد می‌شود. بر این اساس، قانون‌گذار در اقدامی جالب توجه فرهنگ شرب خمر غیرمسلمانان را در متن قانون به رسمیت شناخته‌است. از این رو، چنان‌چه غیرمسلمانی بر اساس هنجارهای فرهنگی، شرب خمر غیر علنی نماید، دفاع فرهنگی موجب صدور حکم برائت می‌شود. بنابراین، استناد متهم به دفاع فرهنگی در این بستر موجب عدم تحقق جرم می‌شود. البته در همین فرض، چنان‌چه مسلمانی به فرهنگ شرب خمر استناد کند، دفاع فرهنگی وی مورد پذیرش نخواهد بود؛ زیرا متن قانون، شرب خمر را تنها از آداب غیرمسلمانان برشمرده‌است و حتی تظاهر به آن را مستحق کیفر دانسته‌است.



استفاده از کلمات توهین‌آمیز نیز در برخی خرده‌فرهنگ‌های بزهدکارانه امری معمول است. گاه این توهین‌ها مصداقی از قذف به شمار می‌روند. اما آیا به واقع در این شرایط جرم قذف محقق می‌شود؟

بر اساس ماده ۲۴۶ ق.م.ا "قذف باید روشن و بدون ابهام بوده، نسبت‌دهنده به معنای لفظ آگاه و قصد انتساب داشته باشد؛ گرچه مقذوف یا مخاطب در حین قذف از مفاد آن آگاه نباشد". یکی از نکات مهم در تحقق قذف به تصریح ماده فوق، قصد انتساب است. قصد انتساب بدین معناست که قاذف قصد نسبت دادن زنا یا لواط را به مخاطب حاضر یا غایب داشته‌باشد. بر این اساس و در خرده‌فرهنگ‌های بزهدکارانه که افراد در اکثر عبارات خود، خواهر و مادر یکدیگر را مخاطب قرار می‌دهند، علی‌الاصول قصد انتساب وجود ندارد؛ زیرا افراد بدون توجه به قصد انتساب و صرفاً از باب آداب اجتماعی، به یکدیگر توهین می‌کنند. از این‌رو، توجه به قصد انتساب می‌تواند تفسیر قضایی را با هنجارهای فرهنگی منطبق سازد.

ماده ۲۴۸ ق.م.ا نیز اشعار می‌دارد که "هرگاه قرینه‌ای در بین باشد که مشخص گردد منظور قذف نبوده است، حد ثابت نمی‌شود". بر اساس ماده ۲۱۸ ق.م.ا نیز "در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسؤولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعاء کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود". بر اساس ماده ۱۱۹ نیز هرگاه وقوع جرم یا برخی از شرایط آن و یا هر یک از شرایط مسؤولیت کیفری مورد شبهه یا تردید قرار گیرد و دلیلی بر نفی آن یافت نشود حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود. اما در ماده ۱۲۰ قانون مورد اشاره آمده است "در جرائم موجب حد به استثنای محاربه، افساد فی الارض، سرقت و قذف، به صرف وجود شبهه یا تردید و بدون نیاز به تحصیل دلیل، حسب مورد جرم یا شرط مذکور ثابت نمی‌شود". بنابراین، بر اساس قانون مجازات، قاعده درآ در مورد قذف، بدون تحصیل دلیل پذیرفته نمی‌شود. اما استناد متهم به این که قصد انتساب وجود نداشته موجب می‌شود تا جرم قذف محقق نشود. البته به نظر می‌رسد که در این صورت جرم توهین تحقق شده‌باشد.

اما در ماده ۱۸ ق.م.ا نیز آمده است: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص

یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب مجرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می‌شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم. ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن. پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم. ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی».

اکثر مجازات‌های موجود در نظام کیفری ایران از نوع کیفرهای تعزیری است. یکی از ویژگی‌های اصلی مجازات‌های تعزیری انعطاف‌پذیری آنان و اختیار قضات در مرحله تعیین کیفر بر اساس راهبرد "اعمال حدافل و حداکثر مجازات قانونی" است. به نظر می‌رسد در نظام قضایی ایران، امکان استناد به دفاع فرهنگی در جرایم تعزیری وجود دارد. بررسی پرونده‌هایی در حوزه‌های قضایی مختلف در کشور نشان می‌دهد، در جرایم تعزیری، قضات، دفاع فرهنگی را به عنوان عامل مخففه در مرحله تعیین کیفر می‌پذیرند.

به عنوان مثال، حمل سلاح در برخی شهرستان‌های غربی از جمله سنندج و مریوان جزء هنجارهای فرهنگی این مناطق به شمار می‌رود. از این‌رو هنجار فرهنگی حمل سلاح در برابر جرم حمل سلاح قرار می‌گیرد. بررسی دو پرونده در شهرستان سنندج (از طریق انجام مصاحبه با ضابطان دادگستری) نشان می‌دهد قضات در مرحله تعیین کیفر به این باور فرهنگی توجه داشته و حدافل مجازات قانونی را برای این جرم در نظر می‌گیرند. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های ژرفایی با ضابطان دادگستری در شهر سنندج، اداره اطلاعات نیروی انتظامی در شهر سنندج مکلف است ماهانه تعدادی سلاح را کشف کند و با ثبت گزارش جرم، پرونده را به دستگاه قضایی معرفی نماید. ضابطان نیز پس از کشف سلاح از طرق مختلف، پرونده را به دادسرا ارجاع می‌دهند و پس از تفهیم اتهام، پرونده به دادگاه ارجاع می‌شود.

بررسی پرونده‌های حمل سلاح در شهرستان سنندج نشان می‌دهد قضات این شهرستان، در مرحله تعیین کیفر به حدافل مجازات قانونی اکتفا می‌کنند. شدت اثربخشی هنجارهای فرهنگی بر تفسیرهای قضایی در این حوزه تا بدان‌جاست که قضات بدون استناد متهم به



دفاع فرهنگی نیز خود راساً در تعیین کیفر به باورهای فرهنگی این منطقه توجه می‌کنند. بر اساس اظهارات چند تن از قضات این شهرستان، چنانچه برخی قضات پرونده‌های حمل سلاح را با کیفر شدید پاسخ دهند، تحت فشار سازمانی همکاران خود قرار می‌گیرند؛ زیرا به باور کنش‌گران عدالت کیفری، حمل سلاح در این مناطق امری به هنجار است. بنابراین، پذیرش دفاع فرهنگی در نظام قضایی موجب می‌شود تا مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی در تفسیرهای قضایی متبلور شود. در نظام حقوقی ایران در فرض تعارض نظام جرم‌انگاری و هنجارهای فرهنگی، دفاع فرهنگی در مورد شرب خمر غیر مسلمانان در فرض عدم تظاهر، موجب صدور حکم برائت می‌شود. در مورد جرم قذف نیز، در صورت اثبات عدم قصد مجرمانه و اسناد زنا یا لواط، با تکیه بر قاعده درأ حکم برائت صادر می‌شود. در مورد قتل‌های ناموسی نیز دفاع فرهنگی ممکن است منجر به تغییر عنوان مجرمانه شود. در مورد تعزیرات نیز امکان پذیرش دفاع فرهنگی به نحو گسترده امکان‌پذیر است.

نظام بومی‌گزینی قضات

یکی از راهبردهای پیش‌رونده تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا، نظام بومی‌گزینی قضات است. همان‌طور که می‌دانیم، کثرت‌گرایی فرهنگی به معنای لزوم احترام به گروه‌های مختلف اجتماعی است. تبلور مفهوم کثرت‌گرایی فرهنگی در تفسیرهای قضایی نیز ایجاب می‌نماید تا دادرسان با توجه به هنجارهای فرهنگی قوانین را اعمال نمایند.

بر اساس نظام بومی‌گزینی قضات، دادرسان در محل زندگی خود مشغول به کار می‌شوند. بدون شک، به کارگیری دادرسان در محل زندگی‌شان، تدابیر تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را تأمین می‌کند؛ زیرا در این فرض، دادرسان با هنجارهای فرهنگی محل زندگی خود آشنا بوده و در تفسیرهای قضایی به این امر توجه می‌کند. نتیجه این امر، گسترش تفسیر قانون بر اساس باورهای فرهنگی است.

چنانچه قضات با باورها و هنجارهای فرهنگی آشنا نباشند، در تفسیر خود از قانون، مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی را نفی می‌کنند. تقسیم قاضی (بر اساس ضوابط داخلی قوه قضاییه) به شهری که به هیچ عنوان با باورهای فرهنگی آن محل آشنا نیست، نه تنها مشکلات بسیاری

را برای خود دادرس به وجود می‌آورد - که از آن جمله می‌توان به مشکل نقل و انتقال، دوری از خانواده و بستگان، عدم آشنایی با ساکنان بومی، احساس غربت، سفرهای مکرر بین شهر خود و شهر محل خدمت و زمان‌بری انطباق با فرهنگ بومی اشاره کرد - بلکه ممکن است، موازین عدالت و انصاف را در دادرسی‌های کیفری نفی کند.

به عنوان مثال، قاضی تهرانی پس از تقسیم سازمانی و جهت انجام امور دادرسی به شهر سنندج معرفی می‌شود. از یک‌سو، هنجارهای فرهنگی موجود در دو شهر تهران و سنندج کاملاً متفاوت است و از سوی دیگر، قاضی تهرانی لاجرم در این شهر باید به قضاوت بپردازد. در این بستر، عدم آشنایی قاضی تهرانی با باورهای فرهنگی افراد بومی، مشکلاتی را به وجود می‌آورد. همان‌طور که مطرح شد، حمل سلاح در شهر سنندج کاملاً به هنجار و عادی است؛ حال آن‌که در شهر تهران حمل سلاح، فرد را به عنوان انسانی خطرناک و بزهکار بالقوه معرفی می‌کند. تفاوت موجود در این دو فرهنگ، از یک‌سو و به کارگیری قاضی تهرانی در شهر سنندج، از سوی دیگر، موجب می‌شود تا وی بر اساس کلیشه‌های ذهنی خود به مقابله با این جرایم برآید. از دید دادرس تهرانی، فرد حامل سلاح انسان خطرناکی است که برای جامعه تهدید آفرین تلقی می‌شود و باید وی را به مجازات رساند. از این‌رو، وی در تفسیر قضایی خویش، بدون توجه به مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی و هنجارهای فرهنگی بومی در پی مقابله با این جرم برمی‌آید و لزوم احترام به هنجارهای فرهنگی را نفی می‌کند.

حال، فرض نماییم که یک قاضی بومی با جرم حمل سلاح برخورد نماید. آشنایی وی با هنجارهای فرهنگی افراد بومی موجب می‌شود تا وی تفسیر خویش از قانون را منعطف کند و در صدد سرکوبی بزهکار نباشد. بر خلاف قاضی تهرانی که حامل سلاح را انسان خطرناکی می‌داند، دادرس بومی به این نکته واقف است که حمل سلاح جزئی از آداب و رسوم حاکم بر این شهر است. از دید وی، حمل‌کننده سلاح نه تنها انسان خطرناکی نیست، بلکه فردی است که بر اساس هنجارهای فرهنگی حاکم بر این منطقه سلاح حمل می‌کند و حمل سلاح نیز الزاماً منجر به ارتکاب جرم نمی‌شود.^۱ بنابراین، آشنایی وی با باورهای فرهنگی موجب

۱- گرچه حمل سلاح در بسیاری از شهرها ممکن است منجر به ارتکاب جرم شود، اما در این منطقه جرایم مرتبط با حوزه سلاح کم است.



می‌شود تا هنجارهای فرهنگی محترم شمرده شده و تدابیر تفسیر قضایی کثرت‌گرا محقق شود. در این فرض، نظام بومی‌گزینی به رشد مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی کمک می‌کند. مثال دیگر در این مورد، به کارگیری قاضی مذهبی در شهر تهران است. تقسیم این دادرسان به شهر تهران و مواجهه با بافت فرهنگی حاکم بر شهر تهران، چالشی را برای آنان به وجود می‌آورد. ممکن است، استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای در شهر قم به دلایل مذهبی تقبیح شود. همین امر می‌تواند کلیشه‌های ذهنی قاضی را تحت تأثیر قرار دهد. از این‌رو، وی استفاده از ماهواره را بسیار ناپسند می‌شمارد و متهمان این جرم را به عنوان غیر خودی‌ها با پاسخ‌های شدید مواجه کند. بر همین اساس، عدم توجه به نظام بومی‌گزینی قضات موجب می‌شود تا تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا در قلمروی حقوق کیفری نفی شود. در مثال فوق، چنانچه قاضی از ساکنان بومی شهر تهران باشد، برخورد وی با جرم استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای متفاوت خواهد بود. در این فرض، دادرس به این نکته واقف است که تقریباً اکثر قریب به اتفاق مردم شهر تهران از تجهیزات ماهواره‌ای استفاده می‌کنند. حتی ممکن است، خود دادرس یا بستگان درجه اول وی از ماهواره استفاده کنند. همین امر موجب می‌شود تا وی تفسیر خود را از جرم استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای منعطف کند. در این فرض نیز نظام بومی‌گزینی به گسترش تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا می‌انجامد.

در نظام عدالت کیفری ایران، راهبرد منسجمی در خصوص نظام بومی‌گزینی قضات وجود ندارد. در نظام حقوقی ایران در خصوص تقسیم سازمانی قضات، مقررات تقنینی و فروتقنینی وجود دارد، اما در قانون راجع به استخدام قضات (مصوب ۱۳۴۳) و اصلاحیه آن (۱۳۴۷)، قانون شرایط انتخاب قضات (مصوب ۱۳۶۱) و الحاق دو تبصره (مصوب ۱۲ مهر ۱۳۶۱)، پنج تبصره (مصوب ۱۳۶۳) و سه تبصره (۱۳۶۷) به آن و قانون تشخیص لزوم کارآموزی برای متقاضیان امر قضا (مصوب ۱۳۶۶) به نظام بومی‌گزینی قضات اشاره‌ای نشده است. اما در دستورالعمل ضوابط انتخاب محل خدمت، سمت، نقل و انتقال و تغییر سمت قضات (مصوب ۱۳۷۱)، در خصوص محل خدمت قضات، نکاتی آمده است.

بر اساس ماده ۱ این دستورالعمل "اداره کل کارگزینی با همکاری اداره کل تشکیلات و آمار و بودجه، پانزده روز قبل از پایان هر دوره کارآموزی،

با توجه به تعداد کارآموزان هر دوره، صورتی از شهرها و محل‌هایی را که برحسب اولویت‌ها، نیاز به نصب و تعیین قاضی دارد، تهیه و به اداره کل آموزش و گزینش قضات، ارسال می‌نماید. ماده ۲ نیز اشعار می‌دارد: "محل خدمت و سمت فارغ التحصیلان هر دوره، بر مبنای معدل، از بین شهرهای اعلام‌شده، به ترتیب اولویت در نمره فارغ التحصیلی، توسط خود آنان تعیین می‌گردد و در صورت امتناع، اداره کل کارگزینی از بین شهرها و محل‌های باقیمانده که صورت آنها قبلاً اعلام شده است، نسبت به تعیین محل خدمت این اشخاص اقدام خواهد کرد". بر اساس ماده ۱ دستور العمل، مرحله اول در انتخاب محل خدمت قضات، شناسایی مناطقی است که نیاز به قاضی دارند. بر اساس ماده ۲ نیز کارآموزان قضایی با توجه به نمره قبولی در اولویت انتخاب محل خدمت قرار می‌گیرند. بر اساس یافته‌های حاصل از مصاحبه با یکی از کارآموزان قضایی، در پایان دوره کارآموزی قضایی، آزمون جامع از درس‌های رشته حقوق، برگزار می‌شود. در پایان نیز پس از نمره‌دهی، کارآموزان به مناصب قضایی می‌رسند. بنابراین، نمره پایانی آزمون کارآموزی، افراد را در اولویت انتخاب محل خدمت (بر حسب نیاز سازمانی) قرار می‌دهد.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این دستور العمل به نظام بومی گزینی قضات هیچ توجهی نشده است و تنها نیاز به قاضی در شهرهای مختلف، در ساختار سازمانی قوه قضاییه مورد توجه قرار گرفته است. این امر، بدون شک، مبانی تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را زیر سؤال می‌برد؛ زیرا نتیجه توجه به ضرورت سازمانی در تعیین محل خدمت قضات، اشتغال آنان در محل‌های غیر بومی خواهد بود.

در خصوص نقل و انتقال قضات، مقررهای در قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه (مصوب ۱۳۷۸) آمده است. بر اساس ماده ۱ این قانون "رئیس قوه قضاییه علاوه بر وظایف و اختیارات موضوع قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه مصوب ۱۳۷۱، دارای وظایف و اختیارات مصرح در این قانون به شرح زیر می‌باشد: ... ب- انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستان‌هایی که با کمبود شدید قاضی مواجه هستند، در صورت صلاحدید و بدون رعایت قانون نقل و انتقال قضات". بنابراین، یکی دیگر از وضعیت‌های نقل و انتقال قضات، جزء وظایف و اختیارات رئیس قوه قضاییه به شمار می‌رود. اما شرط اساسی انتقال قضات در این



ماده نیز ضرورت سازمانی است. عبارت "انتقال قضات داوطلب به تهران و سایر شهرستان‌هایی که با کمبود شدید قضایی مواجه هستند" مؤید این نکته است. از این رو در این قانون نیز به بومی‌گزینی قضات توجهی نشده است.

اما جدیدترین مقررہ دورن سازمانی قوه قضاییه که به نظام بومی‌گزینی قضات توجه کرده، "آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضا و استخدام قضات" (مصوب ۲۸ اردیبهشت ۹۲) است. بر اساس ماده ۴۳ این آیین‌نامه "معاونت اول قوه قضاییه فهرست کارآموزان ارسالی از سوی معاونت آموزش و تحقیقات را به اداره کل کارگزینی ارسال می‌کند و اداره کل مذکور مکلف است ظرف یک هفته پس از دریافت فهرست مذکور و هماهنگی با ادارات کل دادگستری استان‌ها، لیستی از حوزه‌های قضایی را که نیازمند کادر قضایی هستند، به تعداد کارآموزان مربوط، تهیه و برای برگزاری مراسم تقسیم کارآموزان در اختیار معاونت اول قرار دهد. پس از تقسیم کارآموزان، صورت جلسه آن برای تصویب نهایی به کمیسیون نقل و انتقالات قضات ارسال می‌گردد». ماده ۴۴ آیین‌نامه نیز اشعار می‌دارد «حوزه تعیین محل خدمت کارآموزان باید به گونه‌ای باشد که حداقل ۷۰٪ از فارغ‌التحصیلان هر دوره کارآموزی، در محل مورد درخواست یا استان محل سکونت خود به خدمت قضایی مشغول شوند. عوامل مؤثر در تعیین محل خدمت با لحاظ بومی‌گزینی و میزان تأثیر آن‌ها، به موجب شیوه‌نامه‌ای است که با همکاری معاونت اول و معاونت آموزش و تحقیقات تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد».

ماده ۴۴ آیین‌نامه صراحت در نظام بومی‌گزینی قضات دارد. شاخص ۷۰ درصدی نیز درصد قابل توجهی است که اهداف نظام بومی‌گزینی را تأمین می‌کند.

بنابراین، بر اساس این آیین‌نامه، نحوه نظام بومی‌گزینی در نظام عدالت کیفری ایران مورد شناسایی قرار گرفته است. گرچه این امر پیشرفت چشم‌گیری در نظام حقوقی ایران محسوب می‌شود و به رشد تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا می‌انجامد، اما با توجه به عدم تصویب شیوه‌نامه نظام بومی‌گزینی، کماکان "دستورالعمل ضوابط انتخاب محل خدمت، سمت، نقل و انتقال و تغییر سمت قضات" در تعیین محل خدمت قضات اثرگذار است. با توجه به این که از زمان تصویب آیین‌نامه مورد اشاره، کم‌تر از چهار ماه گذشته است، به نظر می‌رسد، تصویب شیوه‌نامه

مذکور در قانون می‌تواند موجب رشد تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا شود؛ زیرا در این حالت قاضی در محل زندگی خود و با آشنایی با هنجارهای فرهنگی به قضاوت می‌پردازد.

نتیجه‌گیری

اعمال رویکردهای ارزشی بدون توجه به مبانی علمی و رهیافت‌های جرم‌شناسانه به دنبال برخورد شدید با بزهکاران جرایم حوزه فرهنگ است. در این بستر، دادرسان بر اساس کلیشه‌های ذهنی و مبانی ایدئولوژیک خود، برخی گروه‌های فرهنگی را "غیر خودی" تلقی می‌کنند و در پی مقابله با آنان بر می‌آیند. نتایج پژوهش‌های انجام شده در این حوزه نشان می‌دهد که در نظام عدالت کیفری ایران، سخت‌گیری کیفری در قبال جرایم حوزه فرهنگ کارساز نیفتاده است. بنابراین، توجه به تفسیرهای چند فرهنگی، نه تنها مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی را تضمین می‌کند، بلکه با اهداف جرم‌شناسانه نیز همراه می‌شود. البته در فرض مخالف که قاضی بر اساس کلیشه‌های ذهنی خود، جرایم حوزه فرهنگ را به رسمیت نمی‌شناسد و از این‌رو، سیاست مدارا را در قبال بزهکاران جرایم این حوزه اعمال می‌کند، نیز تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا تأمین نمی‌شود؛ زیرا بر اساس مفهوم تفسیر چند فرهنگی، دادرسان باید فارغ از اندیشه‌های خود به گروه‌های فرهنگی احترام گذارند.

حضور هیئت منصفه به عنوان نماینده وجدان عمومی در محاکم کیفری به منظور توجه به شاخص‌های پیرا حقوقی و یا غیر حقوقی است. توجه صرف قضات به مباحث حقوقی، گاه باعث می‌شود تا موازین انصاف در دادرسی‌های کیفری نفی گردد. از این‌رو، هیئت منصفه متشکل از اعضای جامعه در رسیدگی‌های کیفری حاضر می‌شود تا به بسترهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارتکاب جرم توجه نمایند. از آن‌جا که اعضای هیئت منصفه، از ساکنان بومی همان حوزه قضایی هستند، هنجارهای فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهند. این امر به گسترش تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا می‌انجامد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، اصل یکصد و شصت و هشتم قانون اساسی، تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را در نظام حقوقی ایران با چالش مواجه می‌کند؛ زیرا بر اساس این اصل، هیئت منصفه تنها در مورد جرایم سیاسی و مطبوعاتی حق حضور در محاکم کیفری را دارد. این امر، اهداف تفسیرهای چند فرهنگی را نفی می‌کند.



یکی دیگر از مواردی که تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را تأمین می‌کند، پذیرش دفاع فرهنگی است. دفاع فرهنگی به مثابه یکی از مباحث نوظهور در پهنه عدالت کیفری به معنای توسل متهم به هنجارهای فرهنگی در مرحله دادرسی است. در این حالت، پذیرش دفاع فرهنگی توسط دادرس، موجب بسط تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا می‌شود. در عوض، به موازات آن، عدم پذیرش دفاع فرهنگی رشد تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را با چالش مواجه می‌کند. در نظام عدالت کیفری ایران، بر اساس " اصل ثابت و لایتغیر بودن احکام الهی " دفاع فرهنگی در مورد مجازات‌های مستوجب حد و قصاص اعمال نمی‌شود. از این‌رو، این امر می‌تواند تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را نفی کند.

از دیگر مواردی که اهداف تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را تأمین می‌کند، توجه به نظام بومی‌گزینی قضات است. بدون شک، آشنایی دادرسان با هنجارهای فرهنگی گروه‌های فرهنگی بومی، تدابیر تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را به نحو احسن تأمین می‌کند. این امر به خوبی مبانی کثرت‌گرایی فرهنگی و تفسیرهای چند فرهنگی را محقق می‌کند.

غور و تفکر در پرونده‌های مورد بررسی، تجزیه و تحلیل اسناد و قوانین موجود و یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های ژرفایی با کنش‌گران عدالت کیفری، فرضیه ابتدایی این تحقیق را ثابت کرد. بر این اساس، در نظام عدالت کیفری ایران:

اعمال رویکردهای ارزشی در مورد جرایم حوزه فرهنگ، عدم حضور همه جانبه هیئت منصفه در محاکم کیفری، پذیرش غیرمنسجم دفاع فرهنگی در مجازات‌های مستوجب حد و فقدان توجه به نظام بومی‌گزینی قضات، اهداف تفسیرهای قضایی کثرت‌گرا را با چالش مواجه می‌کند.

فهرست منابع:

- ۱- امید، جلیل، **تفسیر قانون در حقوق جزا**، ۱۳۸۹، چاپ اول، تهران، جنگل
- ۲- خالقی، علی، **آیین دادرسی کیفری**، ۱۳۹۱، چاپ هجدهم، تهران، میزان
- ۳- سینایی، وحید و همکار، بی تا، **جهانی شدن و کثرت‌گرایی فرهنگی**، مجلس و پژوهش، سال ۱۱، ش ۴۳
- ۴- لیویچی، آئور و همکاران، **جهان در آستانه قرن بیست و یکم**، ۱۳۷۰، چاپ دوم، اسدی، علی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی
- 5- Fleiner, Thomas et al, 2009, Constitutional Democracy in a Multicultural and Globalised World, first published, springer publishing
- 6- Hostettler, John, 2004, the criminal Jury old and now, Waterside press
- 7- Marder, Nancy, 2002, Juries, Justice and multiculturalism, southern California law review, vol 75 (659)
- 8- Merton, Robert, 1972, Insiders and Outsiders: A chapter in the sociology of knowledge, American journal of sociology, 78 (1)
- 9- Rabe, Marlize, 2003, Revisiting insiders and outsiders as sociological research, African sociological review, 7(2)
- 10- Rosado, Caleb, 1997, Toward a definition of multiculturalism, for Change in Human Systems, calebrosado@earthlink.net/www.rosado.netv
- 11- Song, sarah, 2007, justice, gender and politic of Multiculturalism, first published, Cambridge university press

تارنماها:

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

۲- <http://www.chegg.com>۳- <http://www.plato.stanford.edu>